

پیشوا

بیکار کنید بگذارید بجای که مدلت دامن
کفن شما آغشته بخون باشد، بیکار کنید
که مرگ شما آغشته هزار بار از زندگی
تنگین ستوده تر است
« علی علیه السلام »

اداره: اکیانان مقابل شرکت تلفن ۳۲۲۷۲
تک شماره ۲ ریال
اشتراک سالیانه ۲۰۰ ریال شش ماهه ۱۲۰ ریال

وقتی که حکومت حقوق ملت را قرض میکند
شورش و انقلاب برای ملت و برای هر
دسته ای از ملت مقدس ترین و ناگزیر ترین
وظایف است.
« از اعلامیه حقوق بشر »

سال دوم شماره ۴۶
شنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۳۳۱

دانش روزگازده: آنگر پور شیرازی شورش.

گامهای سنگین و خشمناک فرزندان قهرمان

انقلاب کاخها را میلرزانند!

مایکسال قبل انقلاب خونین سی تیر را در سر مقاله ۲۳ شورش

پیش بینی کردیم و امر و زهر هم.....!

خطرات زندان	عدلیه باید بیدار نک تصفیه شود
جلوی عملیات خطرناک این جاسوس انگلیسی را بگیرد	ما سو گند میخوریم که تا آخرین نفس قاتلین شهدای تیر را دنبال کنیم
پروفسور رولن از مدیر ما تشکر کرده است	سر لشکر مزینی پاگوهای خود را کند
بیانیه جاسه مطبوعات ملی	چون بازده تو مان اخاذی کرده بود برای ابد از خدمت من فصل شد
زن و خوردن خونین در شیراز توطئه ضد ملی برادران قشقایی	

شرق و ناجی بزرگ ملت ایران هنگامیکه پیشوای کهنسال و آهنگین اراده ملت قهرمان و بزرگ ایران مردانه وارد میدان جدال و نبرد شد و خفتان و ذره میدان داری با دیوسیه استعمار را بر قامت خمیده و آهنگین خویش استوار کرد و پانام خدای تو انا قدم بر سر میدان این نبرد و خشتناک پیشایقه و حیرت انگیز تاریخی گذاشت پیشوای ما مبتنی کار و پایه زمامداری صیقل و مستحکم خود را روی دو اصل بنا نهاد، اول اتکالی بخالق توانا، دوم اتکالی به نیروی خلق و افکار عمومی، مصدق قهرمان و محبوب افکار مردم و نمایان

از تدبیر ایام بین دلهای انفسرد و ارواح بلاکشیده و محنت دیده همیشه یک هم آهنگی و همگامی عجیبی وجود داشته و اکثر کسانی که در یک محیط با شرایط مساوی و همبایه می زندگی میکنند قدری از لحاظ طرز تفکر و آیدولوژی بهم نزدیکند که معمولاً نحوه فکر و رویه اعمال یکی از آنها ملاک افکار و اعمال عموم آن دسته و آن طایفه است و کسانی که با گروهی همکاری و همفکری باطنی و سری داشته باشند همیشه میتوانند زبان حال و ترجمان احساسات و افکار واقعی آن قوم و ملت محسوب شوند این ارتباطات طبیعی و فطری و این هم آهنگی جلیلی و غریزی بقضای زمان و مکان و محیط افراد هر دسته را یکدیگر نزدیک و از لحاظ تفکر و طرز تفکر و آیدولوژی آنها را طبقه بندی و از یکدیگر دیگر متمایز کرده است و حتی معروف است که سلاطین سابق قضایا و حوادث و اتفاقات را از روی گفتار و حدیثات مردم بازار ادراک و احساس می کردند، مثلا اگر می خواستند کاری را انجام دهند و در اجرای آن مردم بودند جسی را بیان مردم عادی و بازاری میفرستادند و میگفتند این حجره را شایع کنید و نظریات بعدی مردم را نیز درباره آن اطلاع دهید اگر انتشار خبر مزبور در بین مردم حسن اثر داشت که بدان عمل میشد و نتیجه هم بیوسه مطلوب بود در غیر این صورت نتیجه نامطلوب و نامناسب میبود.

آتر مصاحبه مطبوعاتی دکتر مصدق در محافل سیاسی و مطبوعاتی

افکار عمومی و تضاد مردم و نمایان ملت در همه جا مخصوصا در ملت قهرمان و نجیب ایران بیوسه بحد کافی و جامع بطرز موثر و بارزی وجود داشته و موثر بوده است اما تا بحال آبادی بیگانه و سیاستمدار های دست نشانده از لحاظ حفظ منافع شخصی و صیانت سود دولتهای استعماری جبار بخاطر ناچیز شهر دن افکار مردم و حفظ موقعیت حکومت زور و قلدری یکسی مجال فکر و تشخص نداده و حتی اصولا تا قبل از شهریور ماه ۲۰ منکر افکار عمومی و احساسات واقعی مردم ایران بودند و واقعه شهریور ماه پرده های ابهام و اوام و ظاهر سازیهای حکومت تنگین ۲۰ ساله را دریند و بار بختن خون پاکترین و رشید ترین نژادهای این مملکت بدست سربازان بیگانه، نهال آزادی افکار و انتشار حقایق و حق فکر کردن در این کشور سر سبز و باورگشت و از این تاریخ در حقیقت بین ملت و دشمنان ملت و بین حق و باطل و نظاهر و حقیقت یک صف آرایی صیقل و یکجداال خونین و آشتی ناپذیری ایجاد شد و کم کم مردم چشم دل باز کردند و جان حقیقت را برهنه و آشکار دیدند و دانستند که آنها هم حق حیات و زیست دارند و در این خانه بی صاحب و بی بند و بار حقوق و مزایایی باید داشته باشند!



ملت ایران از پیشوای خود خواهد که خائنین وطن، مالکین دزد و خانهای گردنه بندر امانند مصر توقیف و بیچنگال مجازات بسپارد تا زمان زمامداری پیشوای

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

خاطرات زندان

- ۴ -

صالح گفت اگر چای برین عبدالله میدادند که سروکار آبکوشش با اینها میکند هیچگاه حاضر نبود آبکوش بخورد چون آبکوش امروز از بسکه فاطمه آب پختن بسنه بایستی بجای آبکوش آنرا بی گوشت گفت « از این لطیفه صالح همه خندیدیم و خانم صالح گفت « هر چند آقای کریمپور از خودتان هستند و بایشان رودر آیتی نداریم ولی خوب بود فیلا خبر داده بودید که لااقل غذای بهتری تهیه کنیم و فاطمه امروز دیگر از بس آب توی دیزی ریخته دیگر آبرویی برای آبکوش حضرت چایر باقی نگذاشته است » من گفتم خود آقای صالح شاید بداند که من کمتر دعوت کسی را قبول کرده و بخانه « رجال مروم » و از غذا های چرب و نرم اشرافیهم تا نجاس و توافق روحی نباشد نه تنها خوش نیامد بلکه فوقالعاده هم متفرج و منزجر هستم و شاید علت اینکه من اغلب ظهر ها را نهاد اینجا میام بخاطر همین سادگی و بی پیرایگی منزل و دم دستگه شاست والا مثلا مرغ بلوی فلان دزد کردن کلفت یا فلان تاجر معتکر و یا فلان خان راهزن جنایتکار هزار مرتبه از خوردن خون دل بیوه زنان و باره بگریه و اینها و اشک چشم بیجانم بدتر و تلختر میشد بخاطر صفای باطن و همین بگریه و اشک است که اکثر اوقات اینجا میام و خدا را شاکه میگویم که خانه شامو مصاحبت آقای صالح و مشاهده این همه سفاک و مصیبت تمام خستگی و کوفتگی روزانه مرا بر طرف میکند. خانه شامو دیدن قیافه نجیب و ملکوتی آقای صالح برای من بسزیه پناهگاه و مسکنی است .

فورا بدیدها ، پدیدها ، دروغها ، خنده ها ، و نیرنگها و حقهگی های این اجنباع فاسد بقدری روح حساس و پر مدعای شاعرانه مرا در زیر منگنه و فشار خرد کننده خود میفشارد که بعضی اوقات نینداهم از دست این همه فشار و شکنجه و مذاب یکی پناه برده و این همه بار دود و آلوده را در خانه کدام پوست بکنم و درجه مغفلی شکوه آفاکز کرده و ناله سر بدم بعضی اوقات از بس غمناک و مضایای غیر منظره می بینم نزدیک است دیوانه وار سر بکوه و بیابان گداخته دستها را بینا گوش نهاده از ته دل نامتوانم فریاد کنم بهم چیز ناسزا و فامربوط بگویم ، آخر این که زندگی نشد . اینکه وضع ملکوت نشد ، اینکه کار کاسبی نشد ، همین حالا که میآمدم پیرمرد بدبخت و سیه روزی را در کنار خیابان مشاهده کردم که از شدت سرما سیاه شده و بیچاره تمام اعصاب و بی های بدن استخوانی بدون گوشتش سیاه شده بود در حالیکه مثل جوجه تیغی میله زید مرتب اقباس میکرد که باین بچه شیرخوار مادر مرده من رحم کنید ؛ کمی جلوتر رفتم دیدم یکتنه گونی آن گوش کنار خیابان مصدق « چرچیل سابق » نزدیک پشتهگاه و دزدی شماع در پای دیوار با عظمت سفارت قفسه افتاده و مثل اینسکه چیزی زیر آن وول میخورد ابرسیدم پایا پیرمرد کدام بچه شیرخوار را میگوئی در حالیکه دماغ بلند و استخوانیش از سرما تیر میخیزد با قیافه ترشح آمیزی که آتش چاهان و کاشانه ام میزد بطرف همان تنه گونی اشاره کرد ؛ با تسبیح گفتم بچه را زیر این گونی پنهان کرده ای ؛ یا چله کوتاهی که آه بلند و روزانی آنرا بدرد نمیگردد گفت چه کنم آنرا این بچه تیره بخت فلک زده بد اقبال دیشب مادرش پشت در میخانه از شدت سینه درد و تب شدید تا نیه شب آنقدر اقباس الیجا کرد که اورا بخواهاند و چون جا نبود دیگر دم دم صبح از زندگی راحت شد و نینداهم من بدبخت سیاه روز با این بچه شیرخوار تیم چنه روز دیگر باید جان بکنم و زجر کش بشوم ، راستی راستی که آقا مرگ برای ما فقیر بیچاره ها بزرگترین سعادتهاست ؛ لایق گفتی که این گونی را روی بچه انداخته ام کسی ساکت شده و با زلالی از من شیره چای گرم میخواهد و تنی دانه جواب این زبان بسته بی گناه را چه بدم ؟ وقتیکه این ماجرا را خانواده صالح شنیدند همه متاثر شدند و بیسبب بد بختی این ملت و مملکت لمن و لفرین فرستادند ؛

صالح گفت بدبختی و سیه روزی و گرسنگی و مرگ و میر و تمام مصیبت ها و سیه روزهای آن پیرمرد و امثال اورا بایستی دوهمان خیابان و در میان همان عمارت لنترو ویرانه شده جستجو کرد و بقیه من تمام ناکامیها و نامرادی های ملت ما را بایستی در میان قفسان باغ عربی و طویل سفارت تقصص نمود .

« درین گفت اجازه بدید من بروم آن مرد را بیاورم اش بیادوم منزل و با آنها فدا بدم » من گفتم از این عمل چه فایده ای عاید میشود امروز نصف ملت ایران سرگوش همان پیر مرد را دارند از سر میز فدا بلند شدیم و در سالن مجاور که بخاری کوچکی آنرا گرم میکرد نشستم من بصالح گفتم خیلی دلتنگ و آفسرده هستم گفت الان با حافظ برای آخر و عاقبت کار مملکت قالی میگیریم و با خواندن اشعار نبرد و کشت همشهری لسان النیب جانی تازه میکنیم و توهم که خود شاعر و اهل دل و ذوق هستی حتما تسلی خواهی یافت و امیدوارم که خداوند خودش برای تهنات مملکت و ملت ما عنایتی کند ، همان حافظ خطی کشتک سابق را که من با آن علاقمند بودم بیرون آوردم و با خلوص نیت چشمها را بهم گذاشته و سه بار آنرا بوسیدم و بعد در حالیکه باید نیتانیز و درماتد کی یادست آن کتاب ظرف برفالس میگردم و زیر لب

اهالی شرافتمند آبادان

فراهی دزد کچل بیوجدها که خود را نایبند مطبوعات میداند مبلغ ۸۱۶۰ ریال روزنامه شورش را که زبان شا و متعلق شاست خورده و تا بحال هم اصولا حاضر نشده حساب خود را تصفیه کند مردم شریف و عزیز آبادان ما ایشا میخواستیم که هر کجا این مرد شید دزد و ناپاک بی شرف کلاه بردار گچل را دیدید فوراً بروی او تف انداخته و اورا تحویل پلیس بدید و ما اول ایشا میخواستیم که آنقدر اورا اذیت کنید تا حساب شورش را که با پول شما و بانک فروشی اداره میشود تصفیه کند و اگر کشا نتوانستید پول ما را از این دزد کلاه بردار بگیریید ماناچار اقدام دیگری خواهیم کرد. ضمناً خواهشندیم که یکفر نایبند شریف و خوش حساب هم که مورد اطمینان شما باشد با معرفتی کنید تا برای او روزنامه بفرستیم زیرا مثل اینکه اصولا کسانیکه در آبادان ادعای نایبندگی مطبوعات را دارند همه دشمن شماره یک روزنامه های ملی میباشند.

خدمتگذار مردم - شورش

غوغای مطبوعات

برودی در آسان مطبوعات مجله بنام سیاست ملی منتشر و برده از روی اسراها بر میبارد . از شهرستانها نایبند با شرایطی قبول می شود . تهران اول فردوسی چاپخانه و روزنامه سیاست ملی

ما سو گند میخوریم که تا آخرین نفس قاتلین شهدای تیر را

دنبال کنیم

روابط میر ابو باماری آنتوانت . سر نوشت میر ابو تمام سازندگان را دنبال میکنند

پنج ماه از سقوط زندان باستیل و اولین احتراق شدید انقلاب فرانسه میگذشت . در این مدت شماع لرزان و خفیف امیدی در احشاق تاریک قلب دربار لویی ۱۶ سوسو میزد که بتواند پانزده مهاجرین در مرز های فرانسه و باقشون اطریش و دستپازی اشرافیت مملق و ناراضی ، سنگرهای دست رفته را باز گیرد و سلطنت فرانسه را که در بستر احتضار می غلطید نجات دهد .

دربار میخواست این شمله ایکه از اعصاب عصیان زده و گورنه کبود و سیلی خورده اجتناب فرانه الهام بگیرد با ضربات قنداق قشنگ خاموش کرده و یک آتش نشان مهیب و سهند را انار نماید ؛ پنجاه گذشت اولی نه تجهیزات و نه توپخانه و تحرکات هیچکدام قادر بخره کردن نایبند انقلاب نشده و تشنجات جنبش روز بروز عیق تر و عصبانی تر و منبسط تر می گشت ؛

تاجانی که سقوط «ورسای» آخرین روزنه امید طرفداران دربار را مسدود نمود و استبداد را دریا سوترس و ابهام برانگشید .

تنها در بین رجال (۱) و شخصیتهای بزرگ (۲) درباری «ماری آنتوانت» بود که در این گیر و دار دست و پای خود را کمتر کرده و مانند غریقی که بر دیواره های تاریک و سهند طوفان قرار داشته باشد هنوز برای نجات خود و حاکمیت سلطنت فرانسه دست و پامیزد ولی پس از حمله ملت بقصر «ورسای» و نقل و انتقال دربار به «تولری» آخرین شماع امیدی که هوس ها و تالیات «ماری آنتوانت» را روشن می کرد ، خاموش شد و ملکه زیبای فرانسه بی برده نمیتواند از تانکیت دست های مهاجر ، از سیاه اطریش و از شوالیه ها و

گاردینهای دربار برای ترسید سرگویی انقلاب استفاده نماید و بایشیوه جدال را تغییر دهد و از داخل انقلاب ؛ انقلاب را عقب زند ؛ این منطق چشان قشنگ و ناند و پاس آلود ماری آنتوانت را متوجه زعباو دهریان نهضت نمود و در بین سرداران ملت میرابورا انتخاب و یکمک طلیبد و ترس و یکی از محارم خود با او قرار ملاقات گذاشت ؛

این دیدار در یکی از آلاچیق های قصر «سن لودی» پیش از طلوع فجر روز شنبه سیم ژوئیه انجام یافت ؛ درملاکرات و جریان مباحثات آنها اشیار موثقی در دست نیست فقط میتوان حدس زد که زیبایی و ملاحظت ملکه فرانسه و هاله ای که از نومییدی و استرحام بر اطراف سرگان بلند و چشان عیق و جاذب ماری آنتوانت سایه افکنده بود کار خود را کرد و قلب خشن و سخت و پولادین «ناقوس انقلاب» را در شراره شہوت و اختلاطی از حس عاطفه ، شفقت و تالیات غریزی ذوب نمود ؛

در این دولت سیاسی میرابوزانو در آمد و دیگر در زیر صورت مسجد و پسران آبله و کیل ملت ، لهیب آتش انتقام زبان نی کشید . میرابو ! وقتی که آذر مغفی قصر سن گلود خارج شد با زوی برادر زاده اش را فرود و گفت «... من بایکدمت انقلاب را هدایت میکنم و بادست دیگر تاج و تخت فرانسه را برای ماری آنتوانت حفظ خواهم نمود ؛» این تاکتیک و طرز مبارزه ، برای دربار آخرین دوا بود ولی برای بیچاره میرابو یک انتحار سیاسی شد زیرا انقلاب آنقدر سریع و حادو شلنده جلومیرفت که هیچ مانعی قادر نبود حرکت آنرا سد کند یا مسیر مشخص و منظم آنرا تیردمد بلکه علاوه ایجاد انقلاب برای دهم شکستن موانع واضمحلال مقامات ضد ملی و سنگر های بوسیده اشرافی و جهت تسطیح تضادهای طبقاتی بود .

این طوفان مهیب و خشن و عظیم تاریخی بادست میرابو و برای خاطر میرابو ایجاد نشده بود که مسیر و درجات سرعت آن با تالیات وی تغییر یابد از طرف دیگر دربار فرانسه در شرایطی نو کرده و در قسمتی از لیه برت گاه قرار داشت که هیچ نیروی نمیتوانست آنرا از سقوط حفظ کند بهمان نسبت که کفه انقلاب سنگین تر و

جریان آن منظم تر و سریع تر میشد بهمان شدت و دایر بطرف سستی و فتور و اغراض میرابو میخواست دوشی متضاد دوو کیفیت متناقض را پیوند دهد و مظاهر جهان فرتوت و عصر تاریک استبداد را با دنیای آزاد و صله نموده و کشتی سوراخ سوراخ سلطنت فرانسه را در شکم یک طوفان جای دهد و آنرا حفظ کند . میرابو جدیت میکرد که دو ذات متخالی که در اثر فعل و انفعالات هفت قرن تاریخ فرانسه ایجاد شده بود متقلب نماید یعنی سلطنت را از انحلال و اقرض نجات دهد و انقلاب را که با حدمت و حرارت بطرف رشد و کمال می چید متوقف کند در صورتیکه نه استقرا و تثبیت پایه های لرزان و از هم پاشیده دربار امکان داشت و نه تسکین یا کاهش غلیان افکار عمومی و سبل گداخته جنبش میسر بود .

میرابو ! تلاش میکرد که دو صف متضاد و خونین را پیوند دهد . دو خلقت ناچور و درو ماهیت مکتوس رادر رحم یک رژیم و در قبال معانی یک قانون بکنجاند و اشرافیت هزار ساله و معتزلیکه از پستان استبداد شیر خورده و از خون منز ملت تغذیه کرده و در سایه سریزه های خونین و سکوت سهندک و تیره خود - کامه گی پرورش یافته است بساجتاح مضروب و تنهیده آشتی دهد و آنها را در کرسی های «کتوانسیون» بنشاند ؛

میرابو ! تلاش میکرد که دو صف متضاد و خونین را پیوند دهد . دو خلقت ناچور و درو ماهیت مکتوس رادر رحم یک رژیم و در قبال معانی یک قانون بکنجاند و اشرافیت هزار ساله و معتزلیکه از پستان استبداد شیر خورده و از خون منز ملت تغذیه کرده و در سایه سریزه های خونین و سکوت سهندک و تیره خود - کامه گی پرورش یافته است بساجتاح مضروب و تنهیده آشتی دهد و آنها را در کرسی های «کتوانسیون» بنشاند ؛

بیانیه جامعه مطبوعات ملی و آزادیخواه

ملت رشید ایران ۱ روز عید غدیر دانش نوبخت کیسکه هوازه در خدمت اجانب و صال داخلی آنان دست بسینه و آماده بوده است با توپخانه ضد ملی و تپانی قبلی از طرف جنایت کاران و خیانت کاران خارجی و داخلی بنام جامعه مطبوعات سخنانی که به یزدان بیشتر شباهت داشت بزبان آورده و خود را ترجمان جراید معرفی کرد ، ما بدین وسیله بسوم هموطنان و ملل دنیا اعلام می کنیم دانش نوبخت که هر روز برنگی و ماسک معصوم متظاهر بوده ایند بستیکی ببطبوعات ملی و آزاد نداشت و ندارد بلکه او مزدور بیگانگان و اجیر دمنشان داخلی است ملت ایران این شخص ناپاک و خائن را خوب میشناسد و این بیایه صرفا برای توجیه افکار صومی است .

جامعه مطبوعات ملی و آزادیخواه دانش نوبخت یا جوجه تیغی شب نوزدهم این ماه بیچ را دیورا کتودم سخنگوی را دیوگک دانش نوبخت بنمایندگی مطبوعات نزد شاه اظهاراتی کرده است من هر چند متکرر آن مدبران روزنامه ای که به این شخصیت کثیف و واخورده و جاسوس هم رنگ و بله قربان گوی چابلس کوه فکر از چه فاش هستند ؛ که باین عنصر کشف پاک کن نمایندگی داده اند در خاطر از شخصیتهای بر جسته ، مدیر روزنامه ای مجسم نشد . جز آنکه بگوئیم دانش نوبخت فقط بنمایندگی بدر کثیف تر از خودش یا شاعنده جیب بر لاطالیات و یاوه های بهم بافته است من نینداهم آن کسانی که کارگردان دستگاه در بارما هستند آیا متمند میخوانند شاه مملکت خیانت نمایند ؛

جز این اندیشه ای نمیتوان داشت . دانش نوبخت که خود را در میان ارباب جراید مجازده است ، آن فرد هرزه ایست که هنوز برنده مناقبات عشق در شبه ۹ باز پرس می باشد شاده کلامه .

مفتوح است و این جوان پست جاسوس و مزدور اجنبی در صل هر جاسی بودن و خلاف ناهوس و عفت قدم برداشتن بعدی بی باک و دانات پیشه است که در ضیح خود را قواد ناموس فروشی قرار میدهد . این سرک جملق و انجیوچک بی مغز در تمام مدت عرش جز کلاه برداری و شیدای جز وطن فروشی و توادی جز دو بهم زدن و کثافت کاری پیشینه ای ندارد همین جوان هرزه متلق امروزی کسی است که در روز بهین دیواری که امروز قبله گاه اوست ، ناخست می آورد و تمناویر مختلفی از خواهران شاه گراور میگرد و خود را بنام ضد دربار در روزنامه سیاست می پیشین و آفتاب معرفی میکند و در این باب بعدی گستاخانه و اغراض آمیز کام بر میداشت که ناگزیر برای آنکه ذهن آلوده - اش را به بندند حیات سیاسی اش را به بهای خدمت پدوش در دربار ما موخه کردند و بهین سبب نوبخت پدراوریس کثاخانه در بارش و شخص دانش مانند سکن استخوان خود در کنار دیوار رفیع درباریان دم بزین می مایله و از این راه او را منصبی

با وجود اینکه قلم فرسایان جامعه مطبوعات اجازه نیده هر هرزه بی سروپائی در هر جانی هرزه درانی کند و دانش هر جانی خود را نایبند نخبه مردم ایران قلنداد نماید .

ما با کمال احترامیکه بقانون اساسی داریم بدیدها علاقمندیم سلطنت مشروطه ، بنام معنی طبق خصوص قانون اساسی گرامی باشد ، نمیتوانیم اینگونه گستاخیا را از دانش نوبخت ببینیم و ساکت نشینم اینک خطاب ما بکارگردانان ، دربار و آن کسانیکه که دور شاه را حلقه زده اند به آنها میگوئیم اگر شما میخواهید پنداشه خودتان خیانت ورزید بهترین نمونه آن معرفی دانش نوبخت است .

با چشم تیزبین اینک در همین روزنامه بیانیه جامعه مطبوعات آزادیخواه را ملاحظه کنید که نظر شدید خود را از این عنصر مزدور دله ابراز داشته اند و چون تکیه گاه مردم ، مطبوعات و زین است اگر امثال دانش نوبخت از این پس بدربار راه یابند ما صریحا اعلام میکنیم که انفکار عمومی این دستگاه را واژگون خواهد کرد . سخن ما درباره سایر متعلقانی که روز عید غدیر بهره برداری لب گشوده اند بقیال آینده محول میگردد .

در عالم زنان

مقاله شیوا و مفصلی بقلم بانو ملیحه صحت بدتر روزنامه رسیده که بطرز شایسته و شیوایی از حقوق جامعه نسوان دفاع شده و مدعی گشته اند که در جامعه امروز دیگر فرقی بین زن و مرد نمیتواند باشد و چون روزنامه شورش طرفدار آزادی عقاید و قلم میباشد ما از شماره آتیه ستونی تحت عنوان « عقاید آزاد » در شورش یاز کرده و تمام مقالاتی را که علیه آزادی بانوان ارسال شود درج و سرانجام عقاید و افکار هیئت تحریریه شورش را نیز ابراز خواهیم کرد و ما عینا در شماره آتیه مقاله بانو صحت را درج و از بانوان و آقایان دیگر خواهانیم که نظریات خود را در این باره اعلام نمایند .

با تو کارهای سریع السیر اتو دلازم مسافرت کنید

با تو کارهای مبله و سریع السیر همین تور

مسافرت کنید

محو و نابو . میسازد . من اطمینان دارم بهمان نحو که ائتلاف «میرابو و ماری آنتوانت» نتوانست از خدمت یک صاعقه تاریخی بکاهد و انقلاب فرانسه تا آخرین مرز تکامل پیش رفت ؛ این بند و بست های خانانه و مغاللات وحشیانه و سکوت های تصنیعی هم نمیتواند یک سیر محتوم تاریخی را فلج کند و ملت انتقام جوئیکه در آستانه یک انقلاب تاریخی و در چهار چوب یک تحول بزرگ و خون آلودی املاک قوام السلطه جانی و تعقیب جنایت کاران و قاتلین شهدا و مسبین حصادتیر ماه را در خود

گامهای سنگین و خشمناک فرزندان

بقیه از صفحه ۱

ایران نشان دادند که افکار عمومی و تمایلات ملی مانند سیل جوشان و خروشان تمام سنگها و صخره های عظیمی را که بخواد سدر راه

اراده ملت قهرمان و غیور ایران شود

چون برکاهی از میان برداشته و همچنان جوشان و خروشان سیرتبری و جبری عقلم و خرد کننده و نجات بخش خویش ادامه خواهد داد ولی ملت قهرمان و بیدار ایران در قیل این همه فداکاری و از خود گذشتگی ایشوای محبوب و قهرمان خود انتظاراتی دارد که من اینک مانند همیشه مترجم احساسات او شده و تمایلات این ملت محبوب و رشید را بر سر پیشوای بزرگ میسرمان وجدل تقاضا میکنم که باین خواستها و احساسات مردم را بخدمت هر چه زودتر عطف توجه شود

۱- ملت شریف و نجیب ایران از پیشوای قهرمان و پر افتخار خویش میخواهد که هر چه زود تر سببین و قائلین واقعه خونین و تاریخی سی ام تیرماه مجازات و اموال آنان بفتح اطفال یتیم و بی گناه آنان مصادره و توقیف شود

۲- ملت غیور ایران از پیشوای خود میخواهد که هر چه زود تر خائنین و بیگانه پرستان داخلی را شنیداً بیکر اعزاز زشت و شرم آورده و رسائیده و انکار صوملی را با مجازات خائنین تسکین دهد

۳- ملت مبارز ایران از پیشوای خود میخواهد که دست صوم عمال دولتهای بیگانه و مستشارهای آنان را امم از آمریکا و انگلیس و روسیه از ایران کوتاه و اجازة ندهند احدی در امور کشور مستقل مداخله کند

۴- ملت بیدار ایران از پیشوای خود میخواهد که سرمایه داران دزد دستفروش و خدانشناسی از قبیل تکیبورها حاج علی قلیها

۵- ملت ایران جدا از پیشوای محبوب خویش میخواهد که هر چه زودتر شر جنایات خانهای بی وجدان و آدم کشی قشقایی که همین دیروز با زور فاسد طایفه نجیب و محروم شهبازی را بکلاه و خون کشیدند و بیست نفر را مقتول و ۱۱ نفر را مجروح کرده اند از سر مردم مظلوم و محروم فارس کوتاه و پیش از این باین جنایتکاران هرچائی اجازه ندهند که با سوء استفاده از عضویت فراکسیون «ادامه نهضت ملی» برادران جنایتکار

۶- ملت ایران جد اطرفدار انجمن مجلس تنگین و فرمایشی و اشرافی پوسیده سلامت و ذریه این فراموشخانه فراموشان ها جز ایجاد زحمت و تعبیل بودجه بر گزوه ضعیف ملت و خدمت بدستگاههای استعماری بیگانه تا بحال کار دیگری انجام ندهند است اینها قسمتی از خواسته و تمایلات ملت بود از پیشوای خویش که در درجه اول

۷- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۸- ملت ایران جد اطرفدار انجمن مجلس تنگین و فرمایشی و اشرافی پوسیده سلامت و ذریه این فراموشخانه فراموشان ها جز ایجاد زحمت و تعبیل بودجه بر گزوه ضعیف ملت و خدمت بدستگاههای استعماری بیگانه تا بحال کار دیگری انجام ندهند است اینها قسمتی از خواسته و تمایلات ملت بود از پیشوای خویش که در درجه اول

۹- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۰- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۱- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۲- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۳- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

زد و خورد خونین در شیراز

توطئه ضد ملی برادران قشقایی در شیراز

بشهر رسید

خواتندگان محترم شورش در شماره گذشته ملاحظه فرمودند که خبر این توطئه ضد ملی با ولایای امور خاطر نشان گردیده بود

بیش بینی های این روزنامه ملی تاکنون تجربه نشان داده که همه در حد تحقق یافته است و آنچه تاکنون گفته و نوشته شده چون روی مصالح مردم و خواسته های مردم بوده است ایجاب نمیکرد که است که مورد توجه خاص معاصر امور واقع گردد که متعاقباً عوامل ارتش نخواستند و یا نتوانستند بتمام اموال واقف شده و نگذارند دامنه عصیان و خون ریزی پیش از این وسعت یابد و در امروز

که کشور ما نیاز کامل بآرایش دارد نظم یک استان وسیع را مختل و رعیت زحمت کش و رنج بر فلک زده فارسی را از هستی ساقط و خون جمی بیگناه را بر ایگان برزند. شورش قشقایی بیوجدان بی شرف با برادران جنایتکار خود زمینه خون ریزی را در سیرم فراهم نمودند و بابالخان سرخی و کاکاچان آب سوری و نجیم گوکانی و جمعیت زیادی از غلبه های قشقایی را بآزادان تفک و فشنک و پول اغوا و تحریک

نمودند که دفته به منطقه سرخی حمله نموده و با عمل غافلگیری مانتبه مرحله بریدن سر سرهنگ قشقایی جمعیت منطقه سرخی را بکلاه و خون یکشند و این زمینه سازی و اسباب جینی و رعیت کشی را تا ورود سر لشکر عیندی زن صفت تالابن دوست و مزدور صمیم خود ادامه دادند تا اینکه بی

از ورود این فرمانده وطن فروش با بنایی و زمینه جینی دفته به منطقه سرخی حمله کرده پس از طی زود خورد خونین بیست نفر رعیت بدیلت را مقتول و هفت نفر را مجروح نمودند و خواتندگان محترم این است عمل دهنر نمایندگان مجلس شورای ملی این کشور که پاس

دزدی و وطن فروش و حیانت و جنایت بر کرسی نمایندگان مجلس جانی شده اند که از حقوق ملت دفاع کنند ماجریان مفروح و توطئه های مشترک عیندی و عسکر و جرمی و برادرانش را در شماره جد مفصلاً خواهیم نگاشت تا اگر لشکر فارس و ستاد ارتش میل مبارکشان تعلق گیرد دامنه این جنایات را برچینند و الا ما نا آخرین

قطره خونی که در بدن داریم از حقوق مردم محروم و رعایای بیگس و بی برهه فارس دفاع کرده و نازنده هستیم خواهیم گذاشت که فارس عزیز و مهدی و محافظ جولا نگامی های هر و بنادرست و جنایتکار چنگیز و مقول گردد مابضون پاک بوی گناه خدای واقعه تکبیر نهضت فارس و یار و روح پاک شهدای اخیر سوگند یاد میکنیم که آتش در این

مبارزه را بظلمت مردم محروم فارس ادامه دهیم تا کار ما یا جنایت کاران یکسره شود

که طبق قانون اساسی منشور ملل متحد آزادی های فردی و اجتماعی را در حدود قانون و مقررات تامین و اجازة ندهند بک مشت شیاد کلاه بردار و نادرست بنام قاضی و رئیس محکمه و بازرس هینکلور دینی حیثیت و آزادی ملت را بظلمت چنه تومانی دستخوش هوی و هوس هر قلندر و نادوستی قرار دهند

۸- ملت ایران جد اطرفدار انجمن مجلس تنگین و فرمایشی و اشرافی پوسیده سلامت و ذریه این فراموشخانه فراموشان ها جز ایجاد زحمت و تعبیل بودجه بر گزوه ضعیف ملت و خدمت بدستگاههای استعماری بیگانه تا بحال کار دیگری انجام ندهند است اینها قسمتی از خواسته و تمایلات ملت بود از پیشوای خویش که در درجه اول

۹- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۰- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۱- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۲- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۳- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۴- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۵- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

۱۶- ملت ایران از این جنایتکاران دزد بیم و هراس دارد و مردم از پیشوای خود میخواهند که هر چه زودتر فرستادهای خدا نشناسی چون برادران قشقایی آدم کش و ذوالفقارهای غارتگر و مسلح خاله ادهای بی آبرو و قزاقهای خدانشناس و عدلای بی وجدان و کبهدهای گویانه و باتفاقیبهای گاو و ابتهاج های جاسوس و ارباب مهدی های دزد قاجاری و توتلیهای گامیش و دیگر ملاکین پشرف را از سر مردم بی گناه و دهائین بی براه و بیایستی دهات کوتاه و مانند کشور مصر تمام املاک کلان و بزرگ را بین مردم مستحق و رعایای ذبیح تقسیم و بخش نمایند

صالح سوگند یاد کرد که همه جای ایران باشد

صبح روز چهارشنبه بناسبت عزیت الیهار صالح با آمریکا جمع کثیری از طبقات مختلف تهران در فرودگاه مهر آباد گرد آمده بودند ساعت ۷:۳۰ صبح صالح در میان شور و هیله بدرقه کنندگان وارد فرودگاه شد در این موقع بنا به خواهش جمعی از آزادگان مدیر این روزنامه مترجم احساسات مردم شده و سخنرانی مفصل و بسطی که ما مختصری از آن را در اینجا نقل میکنیم بیان وقصیده ای بود که در دسام ۲۸ هنگام مبارزات جسورانه مردم کاشان در آن شهرستان سروده بودند

و ذیلاً نقل میشود قرائت کردنته اینک قسمتی از سخنرانی مدیر ما را من تصور نمیکند لزومی داشته باشد که اینجانب در اطراف شخصیت اجتماعی و تقوی سیاسی الیهار صالح در اینجا سخنی گفته باشم زیرا کسانیکه بزهدگان سیاسی و اجناسی صالح آشنائی دارند بخوبی میدانند که صالح هیچگاه قدمی برخلاف مصالح و منافع ملت و مملکت ایران پر نداشته و در سختترین ایام نیز بزرگترین خدمات را با استقلال و بقای ایران نموده است صالح در ملی شدن صنعت نفت و در ستیز مبارزات ملت ایران سهمی بجز در شورای امنیت و در دیوان دآوری لاهه نیز خدمات

گرا نهائی نبوده است و اکنون پیشوای محبوب ما دکتر مصدق بصدای بکارهای گران مردکار دیده فرست تقسیم گرفته است در چنین موقع خطیری مرد بزرگی را به کشور آمریکا فرستد من و عموم یاران صالح از لحاظی متانی و از جهاتی شادمانیم من شاد و فرختم که مردی بزرگ برای انجام کاری بزرگتر بشکوهی میرود تا بزرگی و حقانیت و علو همت و آزادی مردم ایران را با آنها ثابت کرده و آنها بیهامند که هیچکس حق مداخله و دخالت در امور کشور باستانی ایران را ندارد

صالح با آمریکا میروند صاحب تراستیا و کار تلها ی بزرگ بداند که کشور قهرمان ایران آژانه ترقی بیدار تر از آنست که باز در قبه استمرار سیاست بیگانگان قرار گیرد تا تیرم از اینکه در این موقع یکسره سیاسی و آزاده یکسره رفوف و مهربانان یاران عزیز و کشور محبوب خویش جدا میشود در این موقع حالت تاجر و گریه بدر ما دست داد بعد مدیر ما اشاره بباززات انتخاباتی دوره گذشته مردم مبارز کاشان کرد و تلگرافانی که اخیراً مردم کاشان دایر بر یتیمانی و حمایت از صالح عزیز از کاشان نموده بودند متذکر شد و سپس قصیده ای را که بناسبت انتخابات کاشان در آن شهرستان سروده بودند بدین طریق قرائت گردید

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

از من یکوی مردم کاشان را در انتخاب صالح آزاده ایران ز دست رفت جو اسردان مردم تمام گرمته و هر یان نه نان و نه طبیون و نه درمانی ویرانه گشت و چند تنشین ایران مجلس بخواب و کار بریشان شد قربت گرفته تا کف ای مردم چون دزدان دوست به مجلس شد ای وای وای هیچ نیدانم ای صالح ای صلح و صفاشهره بی بر طریقتی تو جوانانرا با شهوره به تنها تهران را شهره توئی سر بر سر ایرانیه ایست سزای پاک دامان را شایسته آن روح فرزادانرا بداد از مصدق آن پدر ملت در هر خویش مدح گفتیم مردی سخنوریم و حقیقت گوی

«شورش» بحق گرای و بحق پیوند

حق شد شعار مرد سخنندان را

بسی آقای غفاری شاعر جوان کاشی اشاری را که بناسبت عزیت صالح سروده بودند بدین طریق قرائت کردند:

جنتاب صالح ای راد مرد ملک کبان کون که از بر ما میروی به آمریکا برو که هست ترا یار کردگار جهان بگوش کاخ نشینان و مردم آنجا بگو که مردم ایران ز قبه استمرار رهها شدند با لطف قادر ستان امید آنکه موفق دزین سفر گردی بنفع کشور خود از عنایت بزدان بروی بدرقه «غفاری» این سخن خوش گفت

پرفسور رولن از مدیر ما تشکر کرده است

بطوریکه خوانندگان عزیز بظلمت دارنده در چندی قبل آقای کریمیود شیرازی مدیر ما دسته کلی بوسیله نامه تشکر آمیزی برای پرفسور رولن ارسال و مدامات ایشان را در دیوان لاهه ستوده و اینک متن پاسخ پرفسور رولن بدین ما

پرفسور رولن ۱۹ آگوست ۱۹۵۲

آقای عزیز، مدیر روزنامه شورش نامه و هدیه کل شادروموقع استفاده از تعطیلی در پرفسور به بنده رسیده بی نهایت خوشوقت شدم امیدوارم تشکرات سپاسنامه را بپذیرید. تشکر شما را جمع بدفاع من در لاهه باعث خوشوقتی من گردید. امیدوارم که کشور شما بتواند در این مبارزه موفق و پیروز شود و بتواند از منابع ثروت و سرشار خود حداکثر استفاده را بنماید.

آقای عزیز، مدیر روزنامه شورش

نامه و هدیه کل شادروموقع استفاده از تعطیلی در پرفسور به بنده رسیده بی نهایت خوشوقت شدم امیدوارم تشکرات سپاسنامه را بپذیرید. تشکر شما را جمع بدفاع من در لاهه باعث خوشوقتی من گردید. امیدوارم که کشور شما بتواند در این مبارزه موفق و پیروز شود و بتواند از منابع ثروت و سرشار خود حداکثر استفاده را بنماید.

آقای دکتر اسیاء الدوله شیخ همیک نغمه و یکدهسته کل هدیه فرموده اند که متأسفانه آدرس ایشان را ندارم امیدوارم تشکرات مرا بایشان ابلاغ فرمایید.

ارادتمند شما هانری رولن